



پیشینه تکفیر در جهان اسلام، به صدر اسلام بازمی‌گردد. در طول تاریخ اسلام شاهدیم که یکی از زمینه‌های تکفیر، پیدایش و تطور مکاتب ظاهرگراست که برخی مسلمانان را دچار تعصب ناروا و عشق و علاقه کور کورانه کرد. سلفیه که پدیده‌ای سخت و خشونت‌گراست، از دل جنبش‌های ظاهر‌گرا برخاسته و مدعی انحصار طلبانه مسلمانی بوده و همه را جز خود مشرک می‌خواند. این مقاله به بررسی تکفیر، پیشینه تکفیر و مسیر تاریخی تکفیر خواهد پرداخت. برخی حوادث مهم تاریخ اسلام به سبب تکفیر روی داده، همچنانکه برخی رخدادهای سیاسی واجتماعی زمینه تکفیر را فراهم آورده است. از جمله رویدادهای مهم دوران پس از رحلت پیامبر اکرم، جنگ‌های «رده» در زمان ابوبکر بود که در این جنگ‌ها دستگاه خلافت معارضان خود را کافر و خسراج از دین خواند. درباره اینکه واقعاً تمام یا بعضی از کسانی که در آن دوره تکفیر شده‌اند، از دیدگاه فقه اسلامی کافرند یا خیر، تردید جدی وجود دارد و برخی گزارش‌های تاریخی تردیدهای بسیار در این باره حتی تردید افراد نزدیک به خلیفه را نشان می‌دهد. بنابر برخی منابع تاریخی، عواملی مانند ندانن زکات و نپذیرفتن اصل خلافت یا در نظر گرفتن کسانی دیگر برای این مقام، در انتساب کفر به «اهل رده» یا دست‌کم دسته‌هایی از آنان نقش مهمی داشته است. البته ادعای پیامبری نیز در میان آنان بسیار گزارش شده است که می‌تواند تکفیر را از دیدگاه فقهی توجیه کند.

واقعه مهم تاریخی دیگر درباره تکفیر، غائله خواج است. بسیاری از فرقه‌های خواج کسی را که مرتکب یکی از گناهان کبیره می‌شد و حتی امت پیامبر را تکفیر می‌کردند. در مقابل، بعضی از مسلمانان از جمله برخی مذاهب اهل سنت، خواج را تکفیر می‌کردند. همچنین در احادیث، غالیان یا غلات(آنان که درباره شخصیت امامان علیهم‌السلام غلو و زیاده‌روی می‌کردند) و قائلان به تقویض (مفوضه)، خارج از ایمان خوانده شده‌اند. بعضی از معتزله و اشاعره نیز مشبهه‌را تکفیر می‌کردند.

در طول تاریخ اسلام شاهدیم که یکی از زمینه‌های تکفیر، پیدایش و تطور مکاتب ظاهرگراست که برخی مسلمانان را دچار تعصب ناروا و عشق و علاقه کور کورانه کرد. سلفیه که پدیده‌ای سخت و خشونت‌گراست، از دل جنبش‌های ظاهر‌گرا برخاسته و مدعی انحصار طلبانه مسلمانی بوده و همه را جز خود مشرک می‌خواند. امروزه مهم‌ترین و موثرترین مبنای کلامی سلفیان جدید الهام گرفتن از سلفیان گذشته و توسعه معنایی و مصداقی کفر است. آنها به قدری دایره کفر را گسترده‌اند که هر کسی غیر از خودشان را دربر می‌گیرد. علت و منشا این اختلاف نظر می‌تواند به‌عنوان نخستین، در سیر تحول تاریخی بحث توحید و شرک و بدعت مطرح شود که ما آن را در تحلیلی کوتاه از گذشته تا حال ارائه می‌دهیم.

■ احمد بن حنبل (مرحله اول – دوران بنیادین)
در سنت نبوی(ص) بویژه در کتب صحاح عامه روایاتی موجود است که حاکی از نادرست بودن برخی مذهب اسلامی بویژه بین شیعه و سنی از سویی و نیز رواج اعمال مورد اشاره در بین مسلمین و شباهت ظاهری آن اعمال با اعمال شرک‌آلود مشرکان عصر جاهلی از سویی دیگر ۲ عامل مؤید در تحریم آن اعمال از سوی بعضی پیشوایان مذاهب اربعه‌ه شد.
احمد بن حنبل با ایجاد یک طرز فکر قشری گرای، و ظاهر گرایسی و خلاصه نوعی اخباریگری افراتی، سبب شد برخی متفکران حنبلی تفاوت میان اعمال مسلمین و اعمال مشرکان جاهلی را درک نکرده و فقط با توجه به ظاهر، اعمال مسلمین را از مصادیق شرک خوانده و در نتیجه سبب پدیدار شدن یک تعریف از شرک کشوند که دایره شمول آن بسیاری از اعمال مسلمین را دربر گرفت. این نهضت فکری به همین جا منتهی نشد بلکه موجب بروز یک شورش نظامی و خونریزی‌های اسفناک از سویی عده‌ای کوفه‌فکر شد.

- ابومحمد بریهاری (۲۲۹–۲۳۲)**

نغمه‌های شوم تفکرات نوظهور و خشونت‌بار در باب توحید و شرک در کشتزاری که احمد بن حنبل دانه‌های آن را پاشیده بود، از قرن چهارم رو به جوهانه‌زدن می‌پهنند. با ظهور ابومحمد بریهاری ما با نخستین تحرات درباره تخطئه اعمال مسلمین در ارتباط با اولیای خدا پس از مرگ مواجه می‌شویم. این



نگاهی به گذشته و حال بلایی که به جان جهان اسلام افتاده است

تبارشناسی تکفیر

- حسن‌اسکندری

شخص در قرن چهارم می‌زیسته و از علمای حنبلی بغداد بوده و می‌توان او را تنها محرک و پیشوای فعال حنبلیان بغداد دانست، چرا که وی هدایت کامل افکار و اعمال اهل سنت بغداد را در خصوص مذهب حنبلی در دست داشت. وی عزاداری‌ها، روضه‌خوانی‌ها و مرثیه‌سرایی‌ها را بشدت مورد انکار و تخطئه قرار می‌داد، حتی در این راه از قتل و کنشتار مرتکبان آن اعمال خودداری نمی‌کرد. این اثر درباره وی می‌گوید: «خلیفه الرازی یاران بریهاری را سخت توبیخ کرد بدین علت که برای خداوند مانند و شبیهی قائل بودند و ذات احدیت را دارای کف و دست و انگشتان و ۲ پا با کفشی از طلا و نیز دارای موهای بلند تصور می‌کردند. و می‌گفتند خداوند به آسمان بسالا می‌رود و به دنیا فرود می‌آید، همچنین بر برگزیدگان از امامان طعن می‌زدند و شیعه آل محمد(ص) را به کفر و گمراهی نسبت می‌دادند.»

- ابن تیمیه (۷۲۸–۶۶۱) (مرحله دوم – دوران تکامل)**

اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم فردی را می‌یابیم که تأثیرات شگرفی در تحقق دیدگاه جدیدی درباره توحید و شرک گذارد. ابن تیمیه یکی از بزرگ‌ترین و معروف‌ترین علمای حنبلی در قرن هفتم و هشتم هجری قمری است. ابن تیمیه را که از اخلاف تندرو سلفیون است، می‌توان نظریه‌پرداز و تحلیلگر و کامل‌کننده یک نهضت فکری در باب توحید و شرک دانست که در نهایت به تکفیر دیگر مسلمانان منتهی شد. او صراحتاً درباره توحید و شرک تحلیلی ارائه داد که در آن تحلیل تفکیک بین توحید ربوبی و توحید عبادی به‌طور کامل صورت گرفت و ایزاز شد که هیچ‌گونه تلازمی بین اعتقاد به ربوبیت یا خالقیت با تحقق عبادت نیست. و تحلیل کاملی از تعریف خود از شرک عبادی ارائه داد و اده او در تحلیل جدیدش وفای نبود و این امر خود نشان‌دهنده ضعف مبنایی وی است. ابن تیمیه با ذکر مصادیق شرک عصر جاهلی و نیز آیاتی که به آن مصادیق اشاره دارد مرتباً سعی در تبیین مبنای خود می‌کند.

- ابن قیم جوزیه (۷۵۱–۶۹۱) (مرحله سوم – انتقال)**

ابن قیم از مورجان سرسخت عقاید ابن تیمیه بوده و نظرات این تیمیه را ضابطه‌مند کرده و شاکلهای جدید بخشید. وی پس از مرگ ابن تیمیه از زندان آزاد شد و به مصر رفت و در همانجا به تدریس مشغول شد و سرانجام درگذشت. این قیم جوزیه به پیروی از استاد خویش سرسختانه با مذهب حاکمیت وجود مخالفت کرده و این عربی را تکفیر می‌کرد اما بر خلاف استاد خویش علاقه شدیدی به تصوف و عرفان نشان می‌داد و از آن طرفداری می‌کرد.

از قرن هشتم تا قرن ۱۲ را ما مرحله انتقال می‌نامیم، چرا که در این سال‌ها گروهی وجود داشتند که سعی در احیا و تبیین آثار و افکار نوظهور ابن تیمیه کردند که در میان آنها محمدبن حیاه السنندی و عبدالله بن ابراهیم نجدی از استنادن محمدبن عبدالوهاب را می‌توان نام برد.

■ محمد بن عبدالوهاب (مرحله چهارم – تبلور)
قرن دوازدهم قرن تظاهر عملی و افراتی یک نهضت فکری طغیانگر بود که ۱۱ قرن در زمینه فکری حنبلیان مخفیانه ریشه دوانده بود. بحث‌ها و تبیین‌های تعقلی و تحلیلی عمقی که در این باب از سوی علمای مذاهب اسلامی بالاخص شیعه مطرح شد سبب عدم رواج آن در میان آن مذاهب شد ولیکن مذهب حنبلی تا حدودی آسیب‌پذیر می‌نمود. جماعت بن عبدالوهاب را باید مجری طرح‌های پیشسینیان نامید. از نظر محمد بن عبدالوهاب شرک مسلمین که مرتکب اعمال – به اصطلاح وی– شرک‌آمیز می‌شوند بسیار اشند و مهم‌تر از شرک مشرکان جاهلی است. ابن‌عبدالوهاب از طریق پیوستن به حاکم محلی درعیه محمدبن سعود و تحریک او برای قتل و نهب مسلمانان، موجبات دل زدگی بسیاری از مسلمانان را در شهرهای مختلف حجاز و عراق و ایران و شامات و هندوستان فراهم و تفرق و تشتت را حاکم کرد. در چند حمله ویرانگر پیروان محمد بن عبدالوهاب



در امان است و هر کس وارد خانه ابوسفیان شد، در امان است».

نمونه دوم: روایت شده که وقتی یکی از شعرا خدمت ایشان رسید و گفت: «هن از قرآن بهتر می‌آورم». فرمان قتل او را نداد بلکه در جوابش فرمود: بگو! چه داری؟ او نیز گفت: «دنت الساعه وانشق القمر لغزال فر منی ونفر؛ روز رستاخیز نزدیک شد و ماه دوباره گردید به خاطر آهویی که از دستم گریخت و گریزان شد». رسول اکرم(ص) در پاسخ وی فرمود: سخت زیباست ولی کلام خدا زیباتر است.

سوم: ایجاد تفرقه و پراکندگی میان مسلمانان درگیری میان فرقه‌های اسلامی، مخالف قرآن و مغایر با کوشش‌ها و پافشاری‌های پیامبراکرم(ص) در تشکیل امت و برقراری برادری اسلامی میان افراد آن است. کافی است تنها به برخی روایات نبوی برای اثبات لزوم وحدت و اجتناب از تفرقه اشاره کرد:

«بندگان خدا برادر یکدیگر باشید.» «به هم‌دیگر خشم نگیرید، رشک مبرید، پشت به یکدیگر نکنید و بندگان خدا برادر همدیگر نباشید و روا نیست که

مسلمانی بیش از ۳ شب از برادر خود بی‌خبر بماند.»
چهارم: زشت‌نشان‌دانن چهره اسلام در جمله پیامدهای فاجعه‌بار گسترش این پدیده شوم، مشوه ساختهن چهره اسلام است. حقیقت آن است که اعمال خشونت‌آمیز تکفیری‌ها، سهم بسزایی در خدشه دار ساختن چهره این دین پاک، داشته است. تکفیری‌ها در زمانی که دشمنان اسلام سعی در جنگ تبلیغاتی علیه اسلام دارند با اینگونه اقدام خشونت‌آمیز، بهترین خوراک تبلیغی را برای رسانه‌های غرب فراهم آورده‌اند و به‌طور ملموس و واقع اندیشه‌ها و آرای سلفیان، این نکته را تصدیق می‌کند که حربه تکفیر، جواز است برای انجام هرگونه عملیات جهادی.

- پیامدهای دینی واجتماعی تکفیر**

نخست: خطر محور قرار گرفتن «تکفیر» در تعاملات

و گسترش آن
عصر اصلی و شالوده اساسی تکفیر این ویژگی روختن خون کودکان و زنان و سالخوردهگان که گروه‌های افراطی همه روزه آن را دنبال می‌کنند چیزی است که اسلام شدت مسلمانان را از آن برحز داشته است. پیش از تکفیری‌ها نیز «خواج» یا گروهی از ایشان دست به چنین کارهایی می‌زدند «فصل بن‌شاذان» می‌گوید: «و از ایشان – خواج – کسانی هستند که قتل زنان و فرزندان را روا می‌دارند و می‌گویند: جایگاه آنان نیز همچون نطفه‌ها در پشت مشرکان است. و می‌گویند: «لا حکم الا لله» و خود در تمام این گفته‌ها و کرده‌ها، به نظر خویش عمل می‌کنند بنابراین طبق رأی خود، می‌کشند و حلال و حرام می‌کنند و با این حال، خواج نیز یکسان نیستند و همدیگر را می‌کشند و یا یکدیگر تبری می‌جویند.»

- عدم تفکیک میان گناهکار و بی‌گناه**
- کشتار جمعی متضمن درهم آمیختن گناهکار و بی‌گناه است. این درهم‌آمیزی با اصل قرآنی که می‌گوید: «لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى؛ هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد» کاملاً مخالف است.
- توصیه و راهکار**

تکفیر را با تکفیر نباید پاسخ داد؛ نخستین نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم، آن است که تکفیر را نباید با تکفیر متقابل پاسخ داد، زیرا این کار نه منسکلی را حل می‌کند و نه باوری را تغییر می‌دهد بلکه مشکل را پیچیده‌تر و باور را سخت‌تر می‌کند. بر ما لازم است به امیرالمومنین(ع) (اقتدا کنیم که خواج او را تکفیر کرده و دشنام دادند، لیک آن حضرت با آنان مقابله به مثل نکرد. از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: «علی(ع) احدی از کسانی که با او می‌جنگیدند، به شرک با نفاق نسبت نمی‌داد، لیکن می‌فرمود: برادران ما بر ما تعدی کردند».

مردیت **عوامل تکفیر و زدودن آنها؛** دومین گام لازم در این‌راه، واکاوی عوامل تکفیر و شناخت خاستگاه‌های آن است. گاهی شرایط اجتماعی و سیاسی در رشد اندیشه‌های تکفیری اثر گذار است. گاهی عوامل تکفیر فرهنگی است که درمان در این موارد دشوارتر است. در این وضعیت، بر ما لازم است بررسی مورد آن را با دلیل و برهان و بدون خشونت ریشه‌کن کنیم، زیرا تاریخ به ما آموخته است که شمشیر سر کوب می‌کند ولی قانع نمی‌کند. مردی بهودی پس از رحلت رسول خدا به امیرالمومنین علی گفت: هنوز پیامبرتان را به خاک نسپرده دربرایش اختلاف ورزیدی؟ آن حضرت فرمود: «ما دربارۀ او آنچه از او رسیده اختلاف ورزیدیم، نه درباره او، اما شما پاپتان از تری دریا به خشکی نگردیده، پیامبر خود را گفتید برای ما خدایانی بساز چنان که ایشان را خدایان است و او گفت: شما مردمی نادانید.»

منبع: پیگاه پژوهشی تخصصی وهابیت‌شناسی

تقریب تاریخ

آغاز نخست‌وزیری «علی امینی» مه‌ره سرسپرده طاغوت (۱۳۴۰ ش)



به دنبال استعفاى دولت جعفر شریفامامى، با مقدماتی که از قبل تدارک دیده شده بود، شاه فرمان نخست‌وزیری را با اختیارات کامل به نام دکتر علی امینی صادر کرد و او با پشتیبانی و حمایت آمریکا، زمام امور را در دست گرفت. مقدمات نخست‌وزیری علی امینی از بعد از کودتای ۱۳۳۲ فراهم شد. او با سمت وزیر دارایی در کابینه سپهبد زاهدی، رئیس هیات نمایندگان ایران در مذاکرات نفت بود. از این لحاظ علی امینی نزد خارجیان و بویژه آمریکاییان، مقام و موقعیت ویژه‌ای پیدا کرد. او بعدها سفیر ایران در آمریکا شد. وی با جلب حمایت دموکرات‌های آمریکا و پس از پیروزی آنان در انتخابات، توانست به‌رغم میل شاه به نخست‌وزیری دست یابد. در واقع او برگزیده حزب دموکرات آمریکا بود و شرط اصلی قبول این سمت از جانب او مبتنی بر این اصل بود که شاه چون طبق قانون اساسی از مسؤولیت میرا است و فقط حق سلطنت دارد، بنابراین باید در امور کشور دخالت نکند. امینی سپس از شاه انحلال مجلس ششورای ملی و سنار را درخواست کرد و شاه در نوزدهم اردیبهشت به این خواسته و تن داد. دوران نخست‌وزیری امینی سرانجام پس از ۱۴ ماه در ۲۷ تیرماه ۱۳۴۱ به پایان رسید.

-

شهادت «مجید شریف‌واقفی» توسط منافقین خلق (۱۳۵۴ ش)



سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۴۴ ش توسط تعدادی از جوانان، برای مبارزه مسلحانه با رژیم شاه تأسیس شد. اما برخی از اعضای سست ایمان این سازمان، به تدریج تحت تأثیر افکار مارکسیستی قرار گرفتند و جنگ قدرت برای به دست گرفتن رهبری سازمان مجاهدین خلق آغاز شد. از اواخر سال ۱۳۵۳ و اوایل ۱۳۵۴ ش سازمان منافقین در دیدگاه‌ها و مواضع ایدئولوژیک خود تجدید نظر کرد و به این نتیجه رسید که آنچه در گذشته به آن اعتقاد داشتند، نمی‌تواند مبنای یک حکومت قرار گیرد. سازمان تصور می‌کرد اسلام نمی‌تواند مسائل اقتصادی را حل و فصل کند و در قالب یک حکومت، اداره مملکت و کشور را عهده‌دار شود و ایدئولوژی اسلامی یک تفکر سازنده نیست. این تغییر نگرش نسبت به مسائل گوناگون اسلامی و نیز گرایش به سمت تفکرات مارکسیسم – لنینیسم، باعث واکنش جدی اعضای متدینی شد که با هدف سرنگونی رژیم طاغوت و روی کار آمدن نظام اسلامی وارد سازمان شده بودند. از جمله این افراد مجید شریف‌واقفی و مرتضی لباف‌نژاد بودند که پس از این تغییر مواضع سازمان، دچار تصفیه درون گروهی شده و به طرزى فجیع به شهادت رسیدند.

-

در گذشت علامه فاضل

شیخ «سلیمان بحرانی» (۱۱۲۱ ق)

شیخ ابوالحسن سلیمان بن عبدالله بن‌علی بن حسن بحرانی ماهوزی، معروف به محقق بحرانی از بزرگان علمای امامیه اوایل قرن ۱۲ هجری در نیمه رمضان ۱۰۷۶ ق که در تیسرا آمد. او در علم حدیث، رجال، تاریخ و سیره و تفسیر داشت. شیخ عبدالله سماهیجی و سیدهاشم بحرانی صاحب تفسیر برهان و شیخ احمدبحرانی از تلامذه او بودند. از آثار قلمی او: الاشارات فی الکلام، الشفاء فی الحکمه النظریه و المعراج قابل ذکرند. این فقیه و عالم بزرگ سرانجام در ۱۷ رجب ۱۱۲۱ در ۴۶ سالگی دار فانی را وداع گفت و به دیدار دوست شتافت.

-

آغاز به کار سازمان ایکتائو (۱۹۴۷م)

سازمان بین‌المللی هوپیمایی کشوری موسوم به ایکتائو به عنوان یکی از مؤسسات تخصصی سازمان ملل، با ۲۶ عضو آغاز به کار کرد. هدف‌ها و مقاصد عمده آن که در منشور آن عنوان شده عبارت است از: توسعه مطمئن و منظم هوپیمایی کشوری بین‌المللی در سراسر جهان، تشویق صنایع هوپیماسازی جهت مصارف صلح‌آمیز، توسعه خطوط هوایی، فرودگاه‌ها و تسهیلات هوانوردی. به‌طور کلی، ایکتائو، در جهت کمک به توسعه همه‌جنبه‌های فنی هوپیمایی کشوری بین‌المللی فعالیت می‌کند. در سال ۱۹۸۲م تعداد ۱۴۸ کشور در ایکتائو عضویت داشته‌اند و مقر آن در مونترال (کانادا) است.